

روند مهاجرت در توسعه شهرکهای قشقائی نشین در اطراف شهرهای استان فارس و اصفهان

دکتر مهدی قرخلو - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده

این مقاله به بررسی عوامل مهاجرت در توسعه شهرکهای قشقائی نشین در اطراف شهرهای استان فارس و اصفهان می‌پردازد. روش تحقیق در این مطالعه از طریق تنظیم پرسشنامه در چارچوب تئوری لی^(۱) می‌باشد که اطلاعات مورد نیاز از طریق روش فوق تهیه و سپس تجزیه و تحلیل شده است. عوامل دافعه مهاجرت غالباً به محیط زندگی عشایر ارتباط دارد؛ مانند شرایط سخت اقلیمی، تخریب مراتع و کمبود آب. همچنین رشد جمعیت، کمبود خدمات عمومی و عوامل اقتصادی از فاکتورهای اصلی و عمده دافعه هستند. فاکتورهای جاذبه‌ای که مردم قشقائی را به این شهرها می‌کشاند، غالباً حول و حوش خدمات عمومی مانند تحصیل، شغل، حمل و نقل و بازار دور می‌زند که معمولاً در شهرها متمرکز هستند. از طرف دیگر، شهرهایی که برای مقصد مهاجرت انتخاب می‌شوند، عموماً شهرهایی هستند که مهاجر از سالها قبل با آن شهر به نوعی ارتباط و پیوند داشته است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، روند، توسعه، عوامل دافعه، عوامل جاذبه، قشقائی، شهرک

مقدمه

تا این اواخر، پدیده مهاجرت بویژه از روستا به شهر، فرایندی طبیعی تلقی می‌شد که طی آن کارگران اضافی بتدریج از بخش روستایی خارج شده و نیروی کار مورد نیاز بخش صنعتی شهر را تأمین می‌نمودند؛ ولی امروزه با توجه به تجربه کشورهای در حال توسعه، کاملاً روشن است که آهنگ مهاجرت از روستا به شهر از آهنگ ایجاد مشاغل شهری فزونی یافته و از ظرفیت صنایع شهری برای جذب این کارگران تجاوز نموده است. رشد سریع جمعیت شهری علاوه بر تراکم ترافیک و آلودگی محیط زیست و افزایش جرم و جنایت، عرصه امکانات زیربنائی

۱- تئوری لی، نظریه‌ای است که بوسیله Everett, Lee (1966) بیان شده است. به اعتقاد «لی» عواملی که در تصمیم به مهاجرت دخالت دارند عبارتند از: ۱- عواملی که با مبدأ در ارتباط است ۲- عواملی که با مقصد در رابطه است ۳- موانع باز دارنده ۴- عوامل شخصی.

همچون آب لوله کشی تصفیه شده، ایجاد شبکه فاضلاب، حمل و نقل عمومی و تأمین سایر خدمات شهری را نیز با مشکلات جدی مواجه ساخته و در جهت تخصیص غیر عادلانه بودجه کشور بمنظور رفع مشکلات شهرهای بزرگ و به بهای محرومیت بیشتر مناطق روستائی و مناطق با جمعیت کمتر، عمل می نماید.

سیل جمعیت مهاجر که نتوانسته اند جذب اقتصاد شهری گردند، عمدتاً در حاشیه شهرها ساکن می شوند و بتدریج با اضافه شدن بر تعداد آنها، کانونهای جمعیتی با شکل خاص که متفاوت از نوع مسکن متعارف شهری است، ایجاد شده و زمینه ایجاد حاشیه نشینی نیز مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاصی پدید می آورد. اگر انسانهای مهاجر از جماعات عشایری باشند، مشکلات و مسائل اجتماعی آنها نیز مضاعف است. به این ترتیب می توان ادعا نمود که مهاجرت بعنوان فرایند مفید و قطعی برای حل مشکلات تقاضای روبه رشد نیروی کار شهری تلقی نمی شود. بر عکس، مهاجرت بعنوان عامل عمده ای که پدیده عمومی و فراگیر نیروی کار مازاد شهری را وخیم تر می کند، مورد توجه قرار می گیرد.

هدف این مطالعه، بررسی عوامل مهاجرت در توسعه شهرکهای قشقائی نشین در اطراف شهرهای فارس و اصفهان می باشد. ابتدا مروری بر علل مهاجرتهای ایلات و عشایر قشقائی در گذشته خواهیم داشت. سپس به پراکندگی روستاها و شهرکهای قشقائی نشین که در سالهای اخیر در مسیر راههای اصلی و اطراف شهرها بوجود آمده اند، خواهیم پرداخت. روش تحقیق در این مقاله از طریق تنظیم پرسشنامه در چارچوب تئوری لی (۱۹۶۶) بوده که اطلاعات مورد نیاز از طریق روش فوق تهیه و سپس تحلیل و نتیجه گیری شده است.

مهاجرتهای عشایر و اسکان اجباری

تا قبل از استقرار سلسله پهلوی، پادشاهان ایران که خود اصالتاً به جمعیتهای ایلاتی تعلق داشته اند، قرنهای با تغییر نقشه پراکندگی جغرافیائی ایلات، از آنان بعنوان ابزاری برای اعمال قدرت سیاسی خود استفاده می کردند. برای نمونه، پادشاهان صفوی از یک طرف ایلات قاجار را که مقیم آذربایجان بوده اند به حدود گرگان کوچانیدند تا اتفاق ترکمانان را در شمال ایران متزلزل سازند و از سوی دیگر برای مقابله و جلوگیری از پیشرفت ازبکان به سرزمین خراسان و حافظت این قسمت از مرز باز و بلادفاع، چندین هزار نفر از کوچ نشینان کردستان را با خانواده و گله های آنان به شمال خراسان کوچ دادند (افشار سیستانی، ص ۱۲).

نادر شاه افشار برای جلوگیری از طغیان و شورش ایلهها در سال ۱۱۴۳ هجری شمسی، حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار از خانوارها و چادر نشینان آذربایجان غربی، عراق عجم و فارس را به خراسان کوچاند و تعداد ۶۰ هزار نفر از ابدالیان را که در حوالی هرات زندگی می کردند به مشهد، نیشابور و دامغان کوچ داد. حدود ۳۰ هزار خانوار از طایفه هفت لنگ بختیاری را به خراسان فرستاد و در سال ۱۱۴۵ هجری قمری حدود ۶ هزار خانوار از گرجیان را که با او مخالفت کردند به خراسان تبعید کرد (همان، ص ۱۲).

با کشف و پیدایش نفت در جنوب ایران، مسئله تخته قاپو یا اسکان اجباری عشایر مطرح گردید. عشایر

جنوب ایران برای انگلیسها که استخراج نفت جنوب را در اختیار داشتند به چند دلیل غیر قابل تحمل بود:

۱- در جاده هایی که انگلیسها برای حمل نفت و سایر کالاهای صادراتی یا وارداتی اقدام می کردند، عشایر

نامنی ایجاد می نمودند.

۲- عشایر وسایل مورد نیاز خود را خود تولید نموده و به کالاهای خارجی نیاز نداشتند. بنا بر این خارجیان برای کنترل و توسعه راهها و کاستن قدرت سیاسی عشایر و همچنین کشاندن اقتصاد کوچ‌نشینان به بازارهای بین‌المللی تلاش می‌کردند.

سرانجام با روی کار آمدن سلسله پهلوی و با برنامه اسکان اجباری رضا شاه، انگلیسها به آرزوی خود دست یافتند. طی سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ شمسی رضا خان فشار زیادی برای اسکان اجباری به قشقایها وارد آورد. نیروهای انتظامی دستور دادند که قشقایها در گرمسیر و یا در سرحد مستقر شوند. البته این عمل تنها در استان فارس نبود، بلکه ایلات و عشایر بختیاری، لرستان، بلوچستان، کردستان، آذربایجان و خراسان نیز بوسیله ایادی رضا شاه سرکوب و یکجانشین شدند. تعویض سیاه چادر، خلع سلاح، تعویض پوشاک سنتی چادرنشینان، گماشتن مأمورین انتظامی در رأس ایله‌ها، تثبیت مالکیت شهرنشینان بر اراضی کوچ‌نشینان و تبعید اجباری، از دیگر اقدامات رضا شاه در جهت اسکان عشایر بود.

براساس این سیاست اجباری رضا شاه، لطمات جبران‌ناپذیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیادی به عشایر وارد شد. اما در سال ۱۳۲۰ بخاطر بازگشت کلاتران و ایلخانان به داخل ایله‌ها و از بین رفتن فشار اسکان، عشایر با خراب کردن دهات عشایری و خانه‌ها، کوچ را از سر گرفتند. از سال ۱۳۴۱ به بعد، بخاطر اصلاحات ارضی و ملی شدن مراتع و جنگلها، مسدود شدن راههای مخصوص عشایر بوسیله روستائیان، ارزانی قیمت گوشت بدلیل واردات آن و عدم توجه دولت محمد رضا شاه به عشایر، مجدداً اسکان اجباری دیگری بطور غیر مستقیم بر عشایر تحمیل گردید و تعداد زیادی از عشایر به حومه شهرکها و شهرها پناه برده و یا در مناطق بیلاق و قشلاق خود مسکون شدند.

شهرهای عشایری

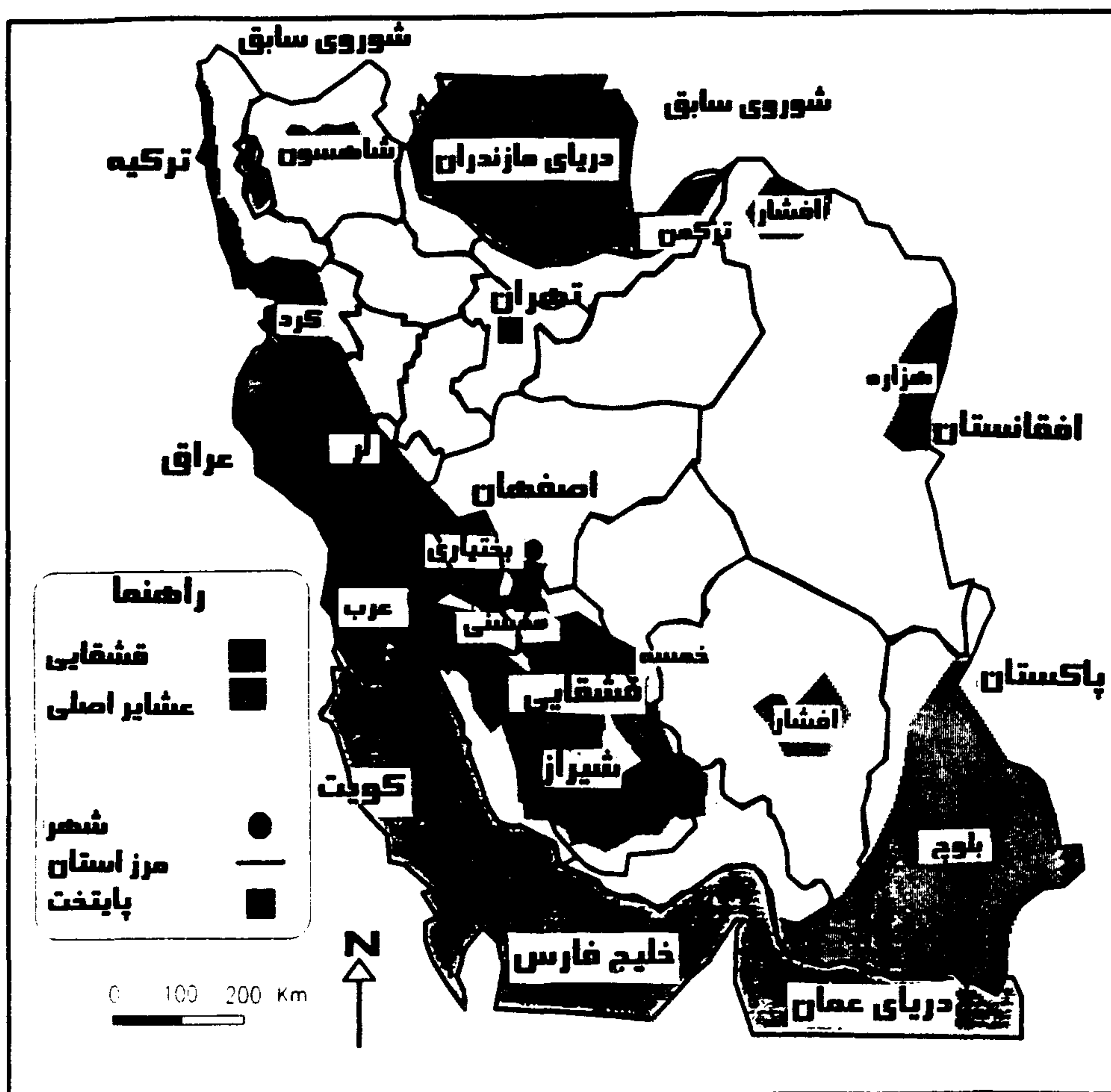
چون عشایر در سراسر ایران در مناطق شناخته شده‌ای زندگی می‌کنند و هر ایل و طایفه‌ای در قلمرو خود دارای مرکز و یا مراکز مبادله‌ایست که نهایتاً به شهرهای عشایری ختم می‌شوند (این مراکز مبادله‌ای عشایری عبارتند از شهرکها و شهرهای عشایری)، شهرکهای واقع در مسیر عشایر (که غالباً امروزه به شهر تبدیل شده) مراکز مبادله‌ای سنتی عشایری است که دسترسی عشایر بدان به سهولت انجام می‌پذیرد. دشت لالی نزدیک مسجد سلیمان چنین نقشی را برای بختیاریها در منطقه گرمسیر دارد و چلگرد نزدیک شهرکرد همین نقش را در سردسیر بختیاریها ایفا می‌نماید (صفی نژاد، ص ۴۱).

شهرکهای عشایری، اقمارهای اطراف شهرهای عشایری هستند. شهرهای مذکور تأمین‌کننده نیازهای کالائی شهرکها نیز می‌باشند و از این طریق دسترسی به عشایر خیلی آسان صورت می‌پذیرد و افراد عشایری غالباً بخاطر نیازهای ایلی خود، در این نقاط در ترددند. مشکین شهر برای شاهسونها، شهرکرد برای بختیاریها، گچساران (دوگنبدان) و نورآباد برای عشایر کهگیلویه و ممسنی، فیروزآباد، کازرون و شهرضا برای قشقایها دارای چنین حالتی است که در مجموع، آنها شهرهای مبادله‌ای عشایر می‌باشند. این شهرها خود در کنار شهرهای بزرگتر نظیر اردبیل، اصفهان، شیراز، سنندج و ایلام قرار دارند. در بررسیهای بعدی مشاهده خواهد شد که بیشتر همین شهرهای بیلاقی و قشلاقی و یا بعبارت دیگر، شهرهای مبادله‌ای، مقصد مهاجرت عشایر بوده‌اند.

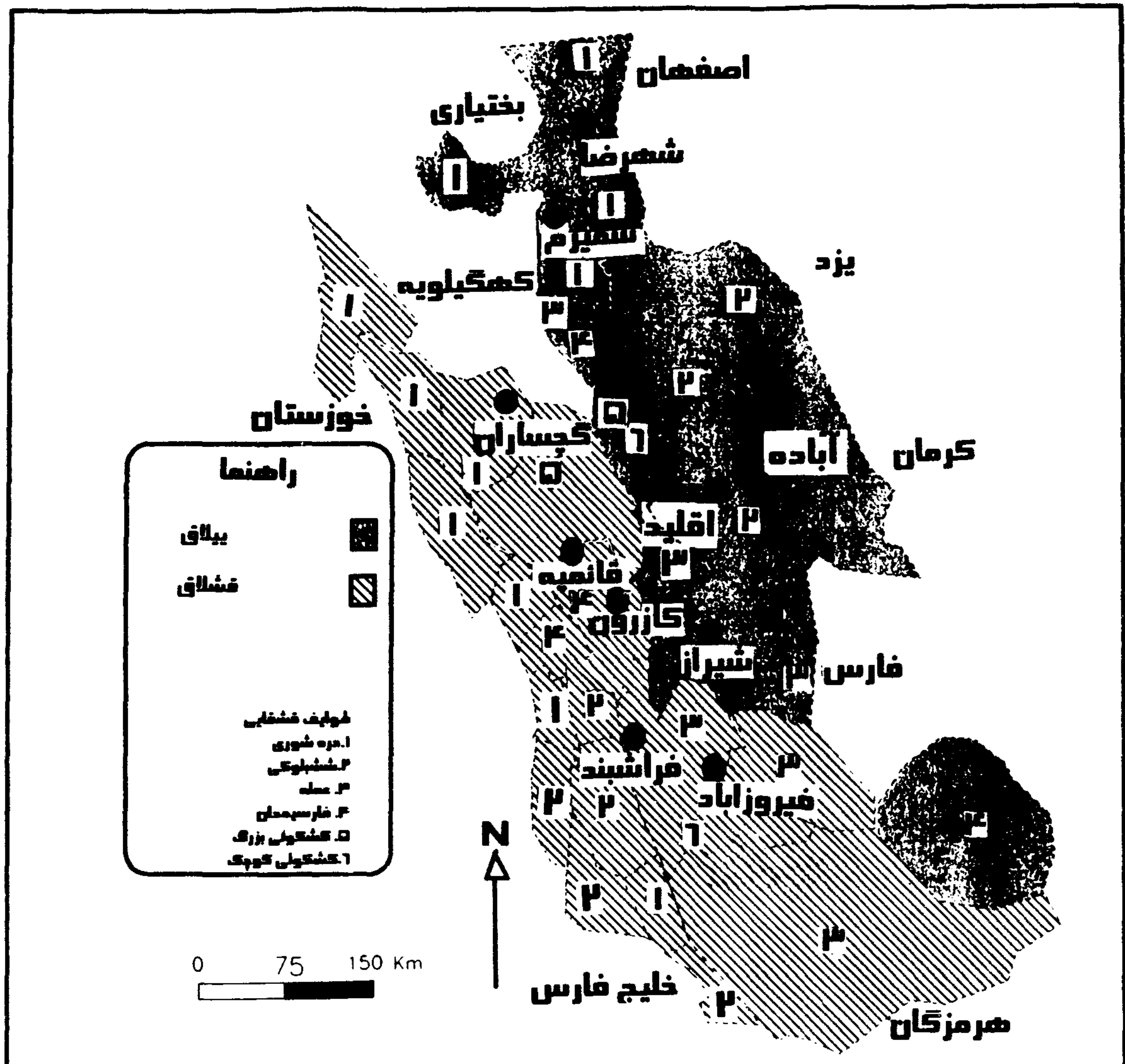
بعد از تخته قاپو یا اسکان اجباری رضا شاه، فشارهای غیر مستقیم دولت محمد رضا شاه، مهاجرت عشایر به شهرها را تشویق نمود. علل این مهاجرتها را علاوه بر عواملی که قبلاً اشاره شد، پراکندگی و کمبود مرتع، کنترل ایل بوسیله افسران دولتی، فروپاشی سازمان سیاسی - اجتماعی ایلات و فشارهای اقتصاد ملی را می توان نام برد.

مهاجرت و روند توسعه روستاها و شهرکهای ایل قشقایی

ایل قشقایی با جمعیتی بیش از نیم میلیون نفر بصورت جامعه عشایری، روستائی و شهری در ۶ استان در جنوب ایران (فارس، اصفهان، خوزستان، ساحلی، کهگیلویه و چهارمحال بختیاری) پراکنده می باشند. مردم این ایل دارای مذهب شیعه بوده و به زبان ترکی سخن می گویند. استان فارس بزرگترین استانی است که اغلب قشقایی ها را در خود جای داده است. نقشه شماره (۱) محل استقرار قشقایی ها و سایر ایلات اصلی در ایران را نشان می دهد. نقشه شماره (۲) پراکندگی طوایف ایل قشقایی (دره شوری، ششبلوکی، عمله، فارسیمدان، کشکولی بزرگ و کشکولی کوچک) را در محدوده شهرهای ییلاقی و قشلاقی نشان می دهد.



نقشه شماره ۱- پراکندگی عشایر اصلی و ایل قشقایی در ایران
 مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)



نقشه شماره ۲- پراکنندگی طوایف ایل قشقائی در محدوده شهرهای ییلاقی و قشلاقی
 مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)

قشقائی‌ها از دو الگوی مهاجرت بهره برده‌اند. مهاجرت عشایر کوچ‌رو به مناطق روستائی و مهاجرت عشایر کوچ‌رو و عشایر روستائین به شهرها، که مجموعاً این دو گونه مهاجرت را تشکیل می‌دهند.

۱- مهاجرت قشقائی‌ها و ایجاد روستاهای عشایری

گروهی از قشقائی‌ها تصمیم گرفتند که در روستاهای نو بنیاد اسکان یافته و برای امرار معاش خود، دامداری را همراه با کشاورزی ادامه دهند. این عده از عشایر قشقائی در مکانهایی ساکن شدند که قبلاً بعنوان ییلاق و قشلاق از مراتع آنجا استفاده می‌کردند. گروهی دیگر به حومه شهرها و یا در مسیر راههای اصلی بین شهرها مهاجرت نموده و در آنجا اسکان یافتند. دو منطقه ییلاق و قشلاق از نظر توپوگرافی، اقلیم، پوشش گیاهی و نوع محصول کاملاً با هم متفاوت بودند و درجه حرارت آنها کاملاً با هم فرق داشت. کمبود آب، درجه حرارت بالا و

کمبود امکانات رفاهی در قشلاق و نزول برف زیاد، بسته شدن راهها در زمستان، نبود و کمبود امکانات سوختی و بهداشتی در بیلاق، همگی سبب شدند که روستائیان عشایر نشین بزودی راهی شهرها شده تا به خیال خود از این فلاکتها نجات پیدا کنند؛ غافل از اینکه اختلافات فرهنگی، بیکاری و کمبود مسکن، مشکلات عدیده جدیدی فرا روی مهاجران عشایری قرار خواهد داد.

نقشه شماره (۳) تعداد زیادی از روستاهایی که در حومه شهرهای بیلاقی (شهرضا و بروجن) و قشلاقی (گچساران یا دوگنبدان، نورآباد ممسنی، قائمیه یا چنار شاه‌هیجان و کازرون) بر اثر مهاجرت ایجاد شده‌اند را نشان می‌دهد. توجه به چند نکته در این نقشه حائز اهمیت: اولاً تعدادی از این روستاهای با منشاء عشایری در مسیر راههای اصلی مستقر شده‌اند. ثانیاً، شماری نیز در حومه شهرها اسکان یافته‌اند. ثالثاً، تعدادی از مردم عشایر در حومه شهرهای بیلاقی مستقر شده و گروهی دیگر، شهرهای قشلاقی را برای سکنی برگزیده‌اند. بعضی از این روستاها و محله‌ها با توجه به شرایط جغرافیائی، از طوایف و تیره‌های خاصی تشکیل شده‌اند. همانطور که از اسامی این روستاها پیداست، نام برخی از آنها برگرفته از تیره‌ها و طوایف آنها می‌باشد. بعضی دیگر بر اساس سنخیت‌های سببی و فامیلی شکل گرفته‌اند. این روستاها اقتصاد دو گانه دارند؛ بدین معنی که هم از امکانات مبدأ مهاجرت خود (نظیر درآمدهای ناشی از زمین زراعی، باغداری و دام) و هم از امکانات محیط جدید (مانند صنایع دستی، کارهای ساختمانی و کار روزمزد) استفاده می‌کنند. در مجموع، ویژگیهای جغرافیائی، قومی، قبیله‌ای، اجتماعی و اقتصادی و مرفولوژی، فرهنگ خاصی به این محله‌ها داده است.

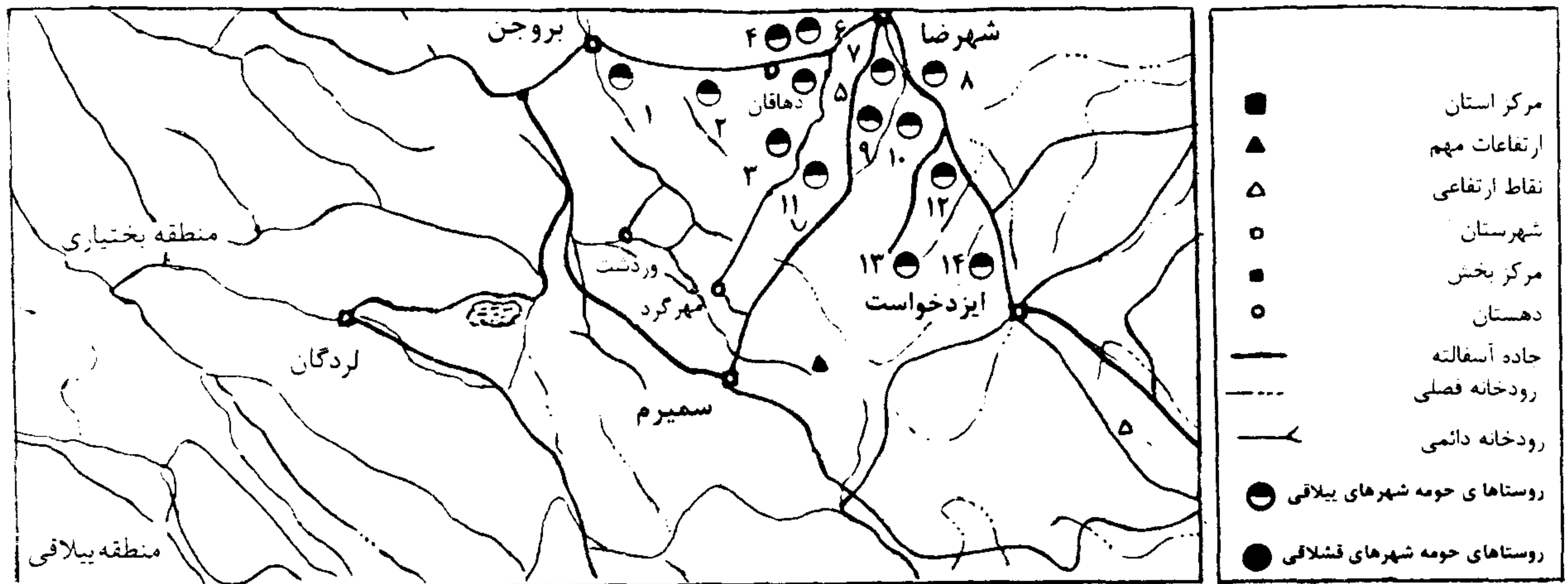
۲- مهاجرت قشقائی‌ها به شهرکها و شهرها

گروه زیادی از قشقائی‌ها نیز به شهرکها و شهرها مهاجرت نمودند تا شاید شغلی در آنجا بدست آوردند و از تسهیلات و امکانات شهری استفاده جویند. آنها مجبور شدند که با شرایطی سخت، زندگی در شهر را ادامه دهند؛ چون در مجموع، تسهیلات خدماتی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در شهر بیشتر از روستاها و عشایر است. بنابراین در سالهای اخیر تعداد زیادی از عشایر کوچرو و عشایر روستانشین به شهر مهاجرت کرده‌اند.

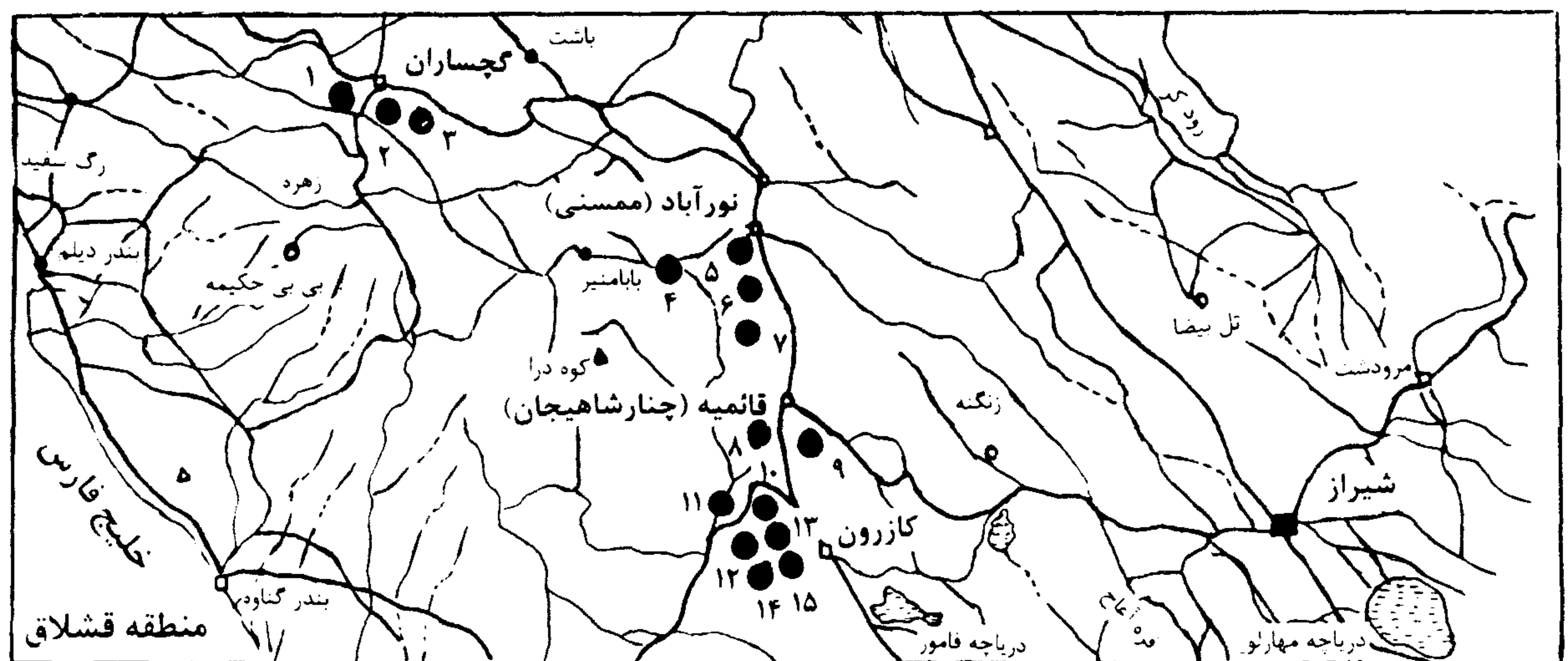
بطور خلاصه فرآیند مهاجرت‌های عشایری سبب پیدایش دو نوع مشکل شده است؛ نوع اول مربوط به مبدأ مهاجرت می‌شود که از جمله می‌توان به تخریب زمینهای مرتعی، اجرای اصلاحات ارضی، ملی شدن مراتع و جنگلها، در هم شکستن ساختار سیاسی - اجتماعی ایل اشاره نمود. این عوامل را می‌توان از جمله عوامل دافعه جماعات عشایری دانست که آنان را بسوی شهرها روانه کرده است. بخش دیگری از آن به مقصد مردم عشایر مربوط می‌شود؛ از قبیل بیکاری در شهر، مشکل تطابق و سازگاری با محیط جدید شهری، عدم دسترسی به مسکن و بعضاً مشکل گویش به زبان فارسی.

با توجه به اینکه عشایر نقش تعیین کننده‌ای در تاریخ، فرهنگ و اقتصاد ایران داشته‌اند و علاوه بر کمکهای ذقیمت، همواره با تولیدات خود مانع خروج ارز از کشور شده‌اند، مضافاً بر اینکه عشایر همواره از نظر فرهنگهای مختلف و صنایع دستی بی نظیر خود، معرف فرهنگ ایران در دنیا بوده‌اند و در نهایت اینکه عشایر بدلیل در برداشتن خرده فرهنگهای کم نظیر خود یکی از عوامل جذب توریست نیز می‌باشند؛ بنابراین بخاطر توجه به فرهنگ و تاریخ عشایر و حفظ این میراث فرهنگی، ضرورت دارد که مهاجرت‌های عشایری به شهرها با

تحقیقات کامل دنبال شود. توجه به حرکات جمعیت عشایر که مردمی تولید کننده و کم توقع هستند، نه تنها از اهداف انسانی محققین و دولتمردان است، بلکه نتیجه این تحقیقات در توسعه و برنامه ریزی کشورمان و برای پیشبرد اهداف ملی نقش تعیین کننده خواهد داشت.



- | | | | |
|---------------|---------------|---------------|---------------|
| ۱- نغنه | ۵- مفتح | ۹- ترک آباد | ۱۳- هونجان |
| ۲- دزج | ۶- پیچ اهواز | ۱۰- سیب سالار | ۱۴- امین آباد |
| ۳- نهضت آباد | ۷- طالقانی | ۱۱- کهرویه | |
| ۴- اسلام آباد | ۸- خمینی آباد | ۱۲- اسفرجان | |



- | | | | |
|-------------------|-------------------------|-------------------|------------------------|
| ۱- بی بی جان آباد | ۵- قلعه کهنه | ۹- دهنو (خیراتلو) | ۱۳- زرین آباد دره شوری |
| ۲- آب شیرین | ۶- خومه زار | ۱۰- دهنو (قرخلو) | ۱۴- زرین آباد کرونی |
| ۳- پشه کان | ۷- کوه پیرایه (کزنلو) | ۱۱- حکیم باشی | ۱۵- خیرات آباد بل کتک |
| ۴- توتستان | ۸- کوه پیرایه (خیراتلو) | ۱۲- حاجی آبادموزی | |

نقشه شماره ۳- اسامی روستاهای ایل قشقای در اطراف شهرهای بیلاقی و قشلاقی

مأخذ: نقشه ۱:۲۵۰۰۰۰ ارتش

عوامل مؤثر بر مهاجرت عشایر قشقائی

بررسی نظری موضوع و در نظر گرفتن آمار و اطلاعات و مطالعات تجربی انجام گرفته عموماً نشان دهنده این مطلب است که مهاجرت، فرایندی چند بعدی و بسیار پیچیده است. در این مطالعه دو مجموعه از فاکتورهائی که در الگوی مهاجرت عشایر قشقائی نقش داشته‌اند، به ترتیب مورد بررسی قرار گرفته است:

- عواملی که موجب دفع مردم از منطقه مبدأ شده‌اند.

- فاکتورهائی که مردم را به منطقه مقصد یا شهرها کشانده است.

عوامل دافعه عموماً به محیط زندگی عشایر ارتباط می‌یابد: مثلاً شرایط سخت اقلیمی، تخریب مراتع و کمبود آب، برخی از عمده‌ترین عوامل دافعه هستند. مسائل جمعیتی همچون رشد سریع جمعیت عشایر، نبود یا کمبود خدمات عمومی و اجتماعی از قبیل مراکز آموزشی، خدمات بهداشتی، حمل و نقل عمومی نیز از دیگر عوامل دافعه هستند. فاکتورهای اقتصادی نیز از فاکتورهای اصلی و عمده دافعه هستند؛ مثلاً نبود یا کمبود مراتع و زمین کشاورزی و در نتیجه نداشتن درآمد کافی از جمله عواملی هستند که نمی‌توان از اهمیت آن غافل ماند. نمودار شماره (۱) مهمترین فاکتورهای دافعه مهاجرت مردم قشقائی را نشان می‌دهد.

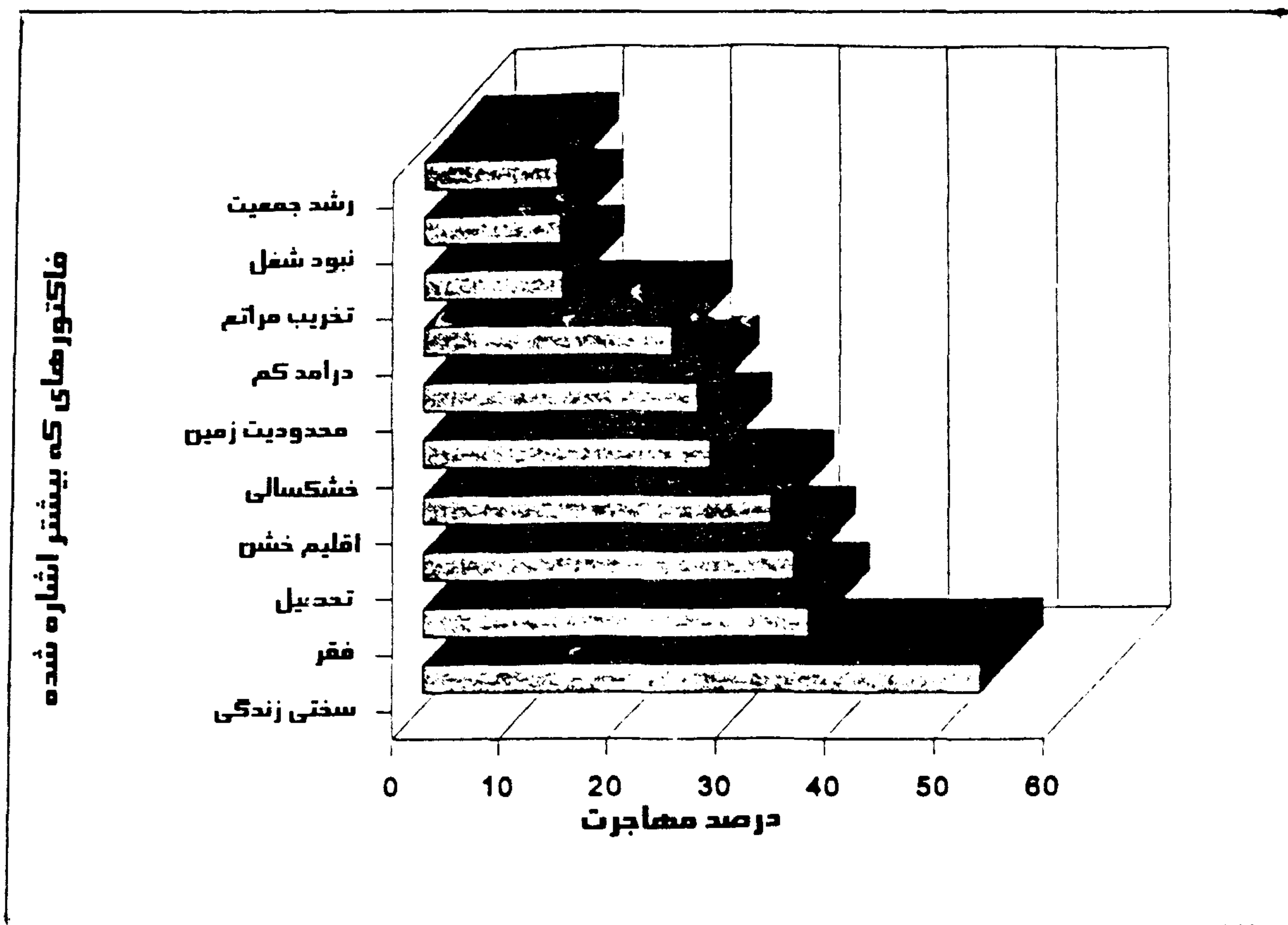
اصولاً وقتی مردم عشایر تصمیم به مهاجرت می‌گیرند، فرصتهای مختلف را در مناطق مختلف مقصد در نظر گرفته و معمولاً نزدیکترین شهر به منطقه ییلاق و قشلاق را برای مقصد مهاجرت انتخاب می‌نمایند. این انتخاب حداقل دارای دو امتیاز بزرگ است:

اول - موانع طبیعی کمتری برای مهاجرت آنها وجود دارد.

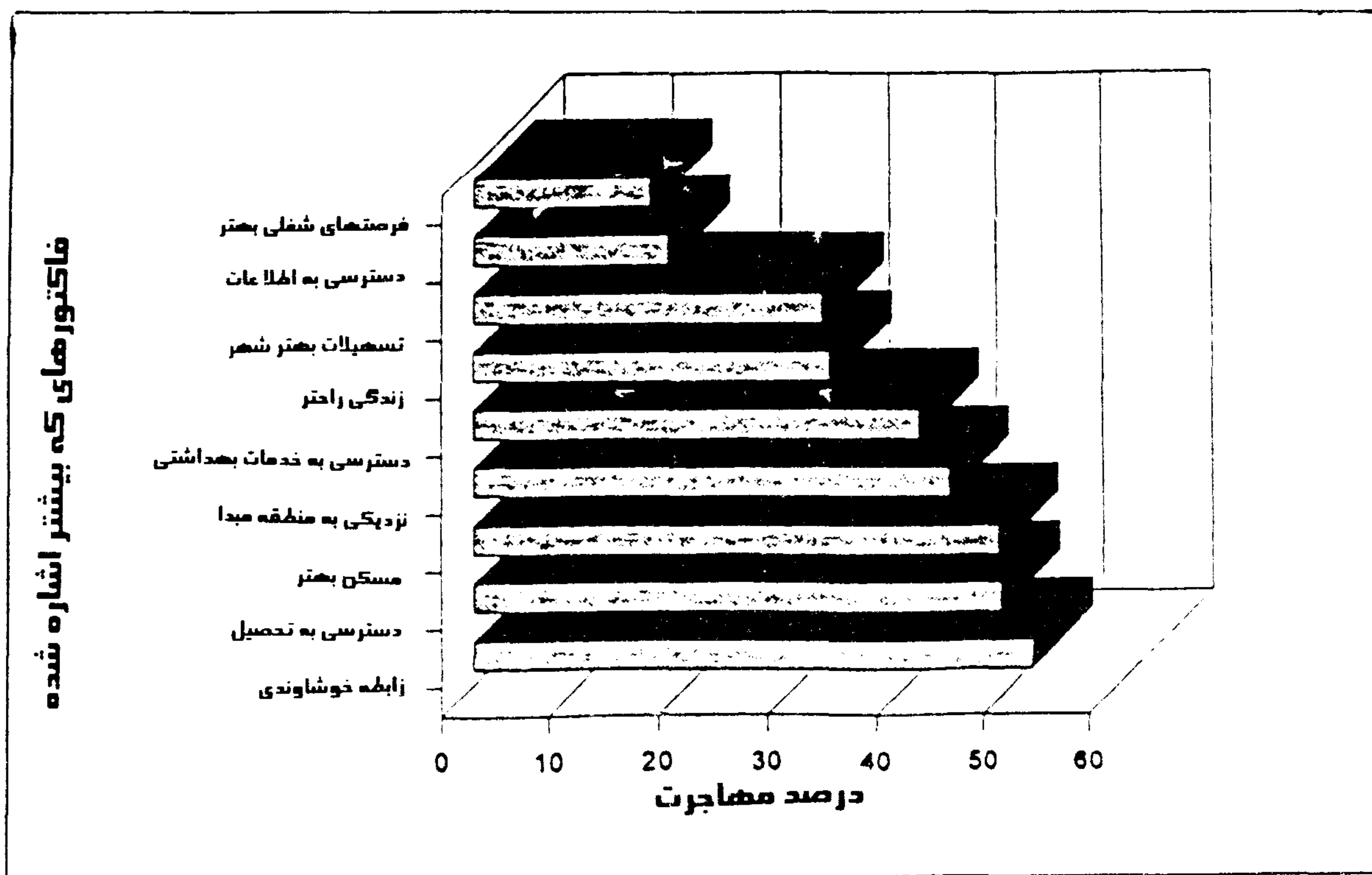
دوم - عشایر قشقائی عموماً شهرهائی را برای مقصد انتخاب می‌کنند که به محل مبدأ آنها نزدیک باشد، زیرا در این صورت می‌توانند از امکانات اقتصادی محل مبدأ خود بنحو احسن استفاده نمایند. فاکتورهای جاذبه‌ای که مردم قشقائی را به شهرها می‌کشاند غالباً حول و حوش خدمات عمومی مانند تحصیل، شغل، حمل و نقل و دسترسی به بازار دور می‌زند که معمولاً در شهرها متمرکز هستند. از طرف دیگر شهرهائی که برای مقصد مهاجرت انتخاب می‌شوند، عموماً شهرهائی هستند که مهاجر از سالها قبل با آن شهر به نوعی پیوند و ارتباط داشته است. نمودار شماره (۲) مهمترین فاکتورهای جاذبه مهاجرت ایل قشقائی در شهرها را نشان می‌دهد.

مهاجرین قشقائی در شهرکها و شهرها

واکر و هانت^(۱) (۱۹۷۴) معتقدند که اقلیتهای قومی - فرهنگی، جوامعی خودکفا را در داخل شهرها تشکیل می‌دهند. قشقائی‌های مهاجر نیز سعی داشتند تا با ایجاد محله‌های جداگانه، خود را از نفوذ فرهنگ شهری مصون دارند، غافل از اینکه اکثریت، همواره تأثیر خود را خواهد گذاشت. نقشه شماره (۴) توزیع فضائی محله‌های قشقائی نشین را در شهر شیراز در استان فارس و شهر شهرضا در استان اصفهان نشان می‌دهد. شهر شیراز که در مرکز جغرافیائی ایل قشقائی قرار گرفته است، تعداد زیادی از مهاجرین قشقائی را بدلیل مختلف (شغل، تحصیل، خدمات رفاهی و غیره) در خود جذب نموده است.



نمودار شماره ۱- مهمترین فاکتورهای دافعه در مبدا



نمودار شماره ۲- مهمترین فاکتورهای جاذبه در مقصد

محلله‌های قشقائی این شهر عبارتند از:

- ۱- اکبرآباد (در شمالشرق)
- ۲- بلوردی (در شمال)
- ۳- بزین (در شمالغرب)
- ۴- حسین آباد (در غرب)
- ۵- کوشن (در غرب)
- ۶- احمد آباد (در جنوبغرب)
- ۷- شیخ علی چوپان (در جنوب)
- ۸- کتسوس (در جنوبشرق)
- ۹- کفتک (در شرق)
- ۱۰- سعدی (در شرق)

همه محلله‌های فوق بطور فضایی، اقتصادی و زیربنایی در مناطق حاشیه‌ای شیراز قرار دارند. در این محلله‌ها تیره‌های مختلفی از عشایر قشقائی با هم زندگی می‌کنند. متأسفانه بعضی از این محلله‌های قشقائی نشین هنوز امکانات اولیه مانند دبیرستان و حمل و نقل عمومی را در اختیار ندارند.

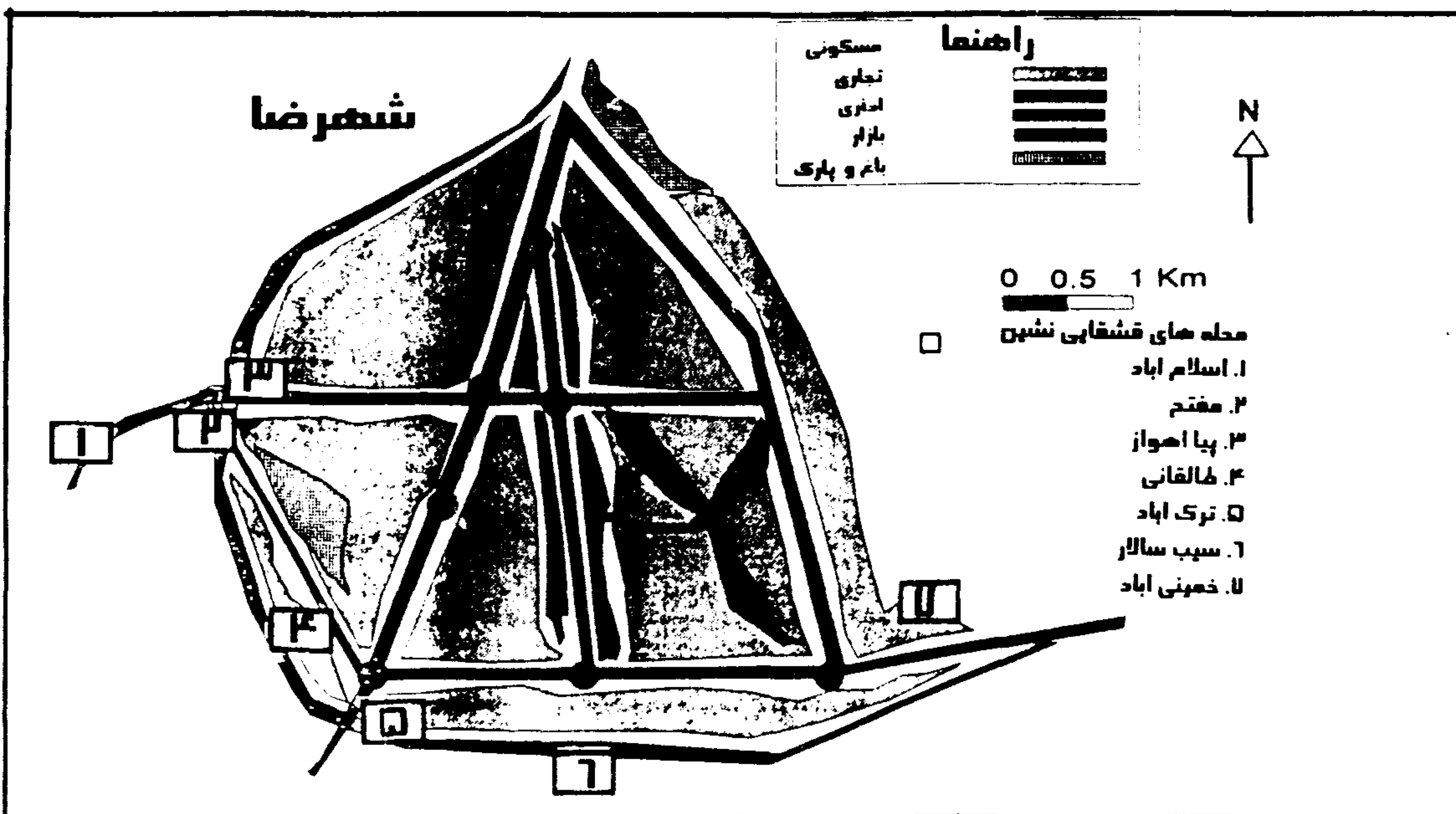
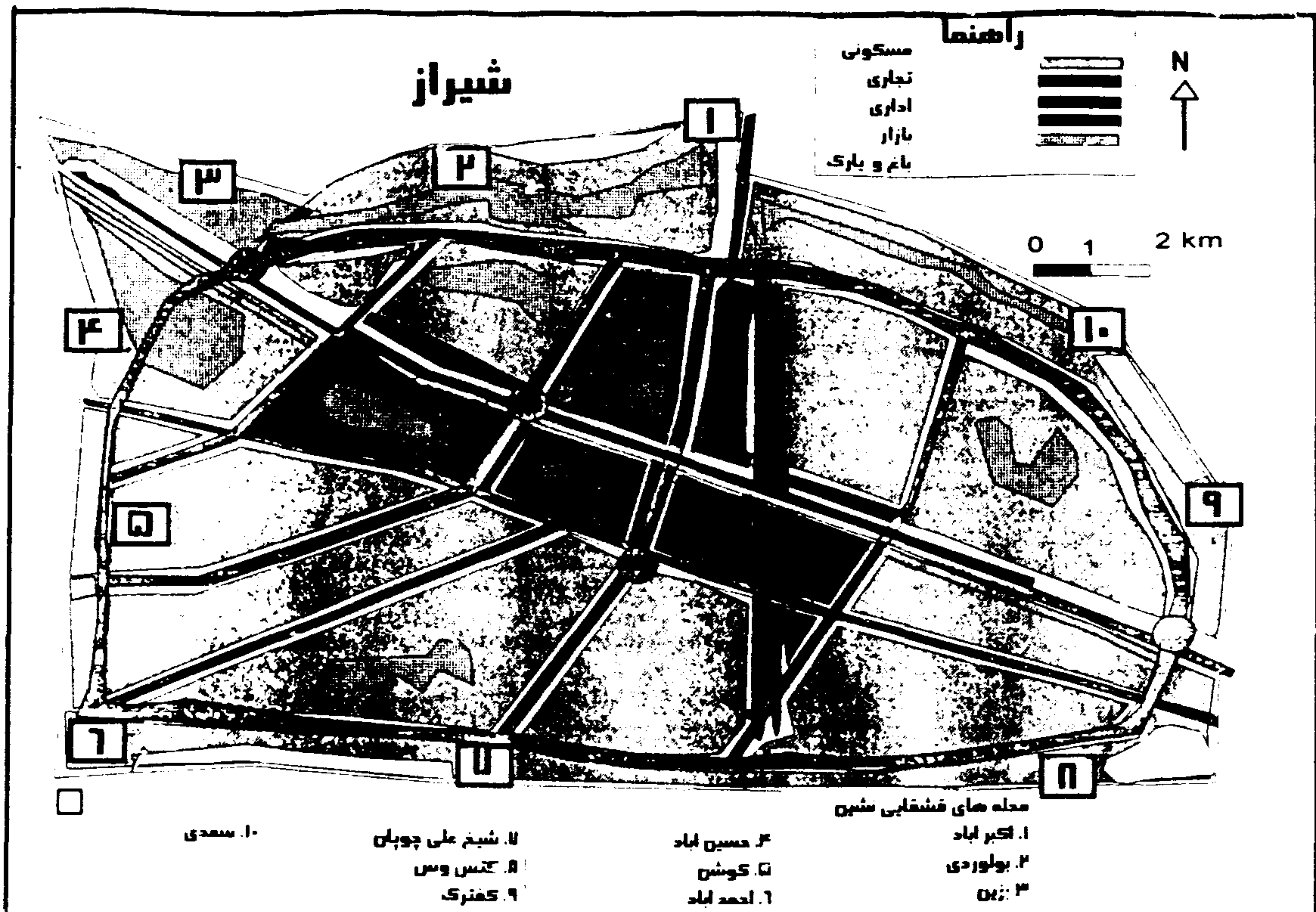
شهر شهرضا در استان اصفهان و در نزدیکی ییلاق ایل قشقائی قرار گرفته است. بیشتر محلله‌های قشقائی نشین در این شهر مربوط به طایفه دره شوری می‌باشد. محلله‌های قشقائی نشین در این شهر عبارتند از:

- ۱- اسلام آباد (در شمالغربی)
- ۲- مفتح (در شمالغربی)
- ۳- پیچ اهواز (در شمالغربی)
- ۴- طالقانی (غرب)
- ۵- ترک آباد (در جنوبغربی)
- ۶- سیب سالار (جنوب)
- ۷- خمینی آباد (شرق)

این شهرکها از نظر جغرافیائی غالباً در سمت و سوئی توسعه پیدا کرده‌اند که به مسیر و مکانهای مبدأ عشایر دسترسی داشته باشد. در شیراز این شهرکها به شکل دایره وار شهر را در محاصره گرفته‌اند (نقشه ۴)؛ چون شهر شیراز از نظر جغرافیائی در مرکز ایل قشقائی واقع شده است. در شهر شهرضا این پراکندگی بصورت نیم دایره و در جهت غرب و جنوب گسترش یافته است (نقشه ۴). چون مکان مبدأ مهاجرت قشقائی‌ها در آن سمت واقع شده است، می‌توان چنین ادعا کرد که در توسعه تمام این شهرکها یکی از عوامل مهم برای عشایر قشقائی، فاکتور دسترسی به مکان مبدأ مهاجرت بوده است.

همه این محلله‌ها در حاشیه شهر و در مناطقی قرار گرفته‌اند که ارزش اقتصادی زمین در حد پایین می‌باشد. این شهرکها قبلاً بصورت روستاهای حومه شهر ایجاد شده بودند که بمرور زمان به شهرکهای اقماری تبدیل شده‌اند. بعضی از این محلله‌ها باگذشت ۲۰ سال از شروع ساخت آن، هنوز مشکل آب، بهداشت و دیگر خدمات

اساسی را دارا می باشند. بطور کلی می توان گفت که ارزانی قیمت زمین در حاشیه شهرها نیز از دیگر فاکتورهای اساسی در انتخاب این شهرکها می باشد.



نقشه شماره ۴- پراکنندگی شهرکهای قشقای نشین در شهرهای شیراز و شهرضا
 مأخذ: اقتباس از نقشه های وزارت اطلاعات و جهانگردی (۱۳۵۶)

عواملی چون نزدیکی به بستگان و همچنین زبان مشترک آنها باعث جدایی محله‌های قشقائی از فارسی زبانان نیز بوده است. اگر چه قشقائی‌ها در محلات جداگانه زندگی می‌کنند، ولی از شواهد و قرائن پیداست که فرهنگ آنها بتدریج در حال تغییر است؛ چون فرزندان آنها همانند فارسی زبانان از مدارس، دبیرستان و دانشگاههایی مشابه استفاده می‌کنند. از نظر زبان، لباس، موسیقی و رفتار، جوانان قشقائی تحت تأثیر فارسی زبانان قرار می‌گیرند. بعضی از جوانان قشقائی حتی با دختران فارسی زبانها ازدواج کرده و بتدریج زبان مادری فرزندان آنها عوض می‌شود. بنابراین برای کسانی که از منطقه عشایری و روستایی مهاجرت کرده‌اند، خیلی مشکل خواهد بود که تحت تأثیر فرهنگهای اطراف قرار نگیرند. در مجموع برای حفظ اصالتها، باورها و زبان و فرهنگ خود، در محله‌های جداگانه زندگی می‌کنند؛ اما غافل از اینکه اقلیت، همواره تحت تأثیر اکثریت، دستخوش تغییرات بنیادین قرار خواهند گرفت.

نتیجه‌گیری

هنگامی که در جامعه روستائی، ایلاتی و یا عشایری تغییرات بنیادی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و روابط اجتماعی بوجود آید، مازاد نیروی انسانی تولید می‌گردد. این جمعیت اضافی به روستاها و مراکز بزرگ شهری که جایگاه تراکم و تمرکز ثروتهاست، سرازیر می‌شود. اما از آنجا که شهرها امکانات کافی برای جذب این نیروی انسانی را ندارند، آنها را پس زده و به حاشیه شهر یا جایی که حداقل امکانات عرضه می‌شود، کشانده می‌شوند. بنابراین وقتی که روستائیان و عشایر فاقد امکانات هستند، از انزوا گریخته و به حومه شهرها روی می‌آورند؛ در حقیقت به نوعی انتخاب دست می‌زنند. آنان فلاکتی را رها کرده و در فلاکتی دیگر گرفتار می‌شوند. کم کم بر تعداد آنان افزوده می‌گردد، مراکزی با شکل فیزیکی ویژه که با فرم مسکن متعارف شهری متفاوت است، ایجاد می‌گردد که زمینه حومه‌نشینی یا حاشیه‌نشینی را تحت عنوان شهرکهای عشایری سبب می‌شود.

با توجه به شرایط سخت زندگی عشایر قشقائی در مناطق و روستاهای دوردست، زمینه برای مهاجرت آنها همواره فراهم است. اگر چه تا بحال مسئله اسکان عشایر مورد بی مهری دولتمردان قرار گرفته و مهاجرتها آنها همواره بدون برنامه و بی رویه بوده است؛ ولی بایستی اذعان نمود که توجه به این مسئله، قابل تأمل و تعمق است. بنابراین، در ایجاد و توسعه شهرکهای عشایری در حومه شهرها بایستی به خواستها و نیازها و باورهای اجتماعی و فرهنگی عشایر توجه کافی مبذول شده و در نقش دادن به آنها از طریق شیوه‌های مشارکتی بعنوان یک محور اساسی اقدام گردد.

در خاتمه، این نکته حائز اهمیت است که باید در زمینه شناخت پدیده‌های مهاجرت و شهرنشینی که از رویدادهای اجتناب ناپذیر آتی کشورند و آثار و عوارض اقتصادی و اجتماعی وسیعی بر فرآیند توسعه ایران خواهند داشت، مطالعاتی همه جانبه صورت گیرد و یا سیستمی ترسیم شود که مشخص کند در ایران ۱۴۰۰، گرایشهای مکانی مهاجران معطوف به کدامین شهرها و یا قطبهای اقتصادی خواهد بود. مهاجران عشایری و یا روستائی از چه رفتار و ویژگیهایی برخوردار خواهند بود؟ آیا شهرهای جدید قادر به جذب تمامی این مهاجرین خواهند بود؟ و آیا سطح اقتصادی و درآمدی این نوع شهرها با مادر شهرهای پیرامونی برابری خواهند کرد؟ اینها مسائل و مقوله‌هایی هستند که باید مورد توجه و کنکاش قرار گیرند.

بهر حال ضمن ارزیابی مسائل فوق، باید نسبت به آنچه که از رهگذر جابجائیهای جمعیت در سطوح مختلف (عشایری، روستایی و شهری) عاید هدفهای استراتژیک توسعه جامعه می‌گردد، تصویری روشن و دقیق داشت تا از این طریق بتوان هماهنگی و همسوئی کارآمدتری بین سطوح مختلف اجرائی و تصمیمات سیاسی برقرار نمود.

منابع و مأخذ

- ۱- افشار سیستانی، ایرج، مقدمه‌ای بر شناخت ایلها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران؛ انتشارات مؤلف، ۱۳۶۶.
- ۲- پورهمت: ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی، وزارت جهاد سازندگی، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، ۱۳۷۷.
- ۳- حسین زاده دلیر، کریم، حاشیه نشینان تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۱.
- ۴- سهامی، سیروس (ترجمه)، شهرها و روستاها، انتشارات نشر نیکا، ۱۳۷۲.
- ۵- سازمان امور عشایری ایران و مرکز آمار ایران، سرشماری عشایر در سال ۱۳۶۶.
- ۶- سازمان برنامه و بودجه، گزارش شرکت در سمینار مهاجرت و شهرنشینی (اسکلاپ کره جنوبی) سئول ۱ تا ۵ بهمن ۱۳۷۰.
- ۷- صفی نژاد، جواد، عشایر مرکزی ایران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- ۸- لهسایی زاده، عبدالعلی، نظرات مهاجرت، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۶۸.
- ۹- قرخلو، مهدی، مسائل جغرافیائی ایل قشقائی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۰- معاونت توسعه و عمران سازمان امور عشایر ایران، سومین همایش علمی مهاجرت، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۷.
- ۱۱- معاونت توسعه و عمران سازمان امور عشایر ایران، دومین همایش علمی مهاجرت، ۳۱ فروردین ۱۳۷۷.
- 12- Danesh, Abdol Hassan., (1987). Rural Exodus and Squatter Settlements in the Third World: Case of Iran; University Press, America, New York.
- 13- Gharakhlou, Mehdi., (1996). Migration and Cultural Change in Urban Communities of the Qashqa'i of Iran, Ph.D. Desertation; University of Ottawa, Ottawa, Canada.
- 14- Hunt Chester L. & Walker, Lewis., (1974). Ethnic Dynamics, Patterns of Intergroup Relations in Various Societies; The Dorsey Press, Homewood, Illinis, P. 10-15.
- 15- Lee, E.S., (1966). "A Theory of Migration", Demography, Vol.3.No.1.
- 16- National Geographic Society., (1998). National Geographic; Washington, D.C., No.4,P.21.